

فرهنگ اصطلاحات و عبارات رایج فارسی (فارسی - انگلیسی)،  
محمد رضا باطنی با دستیاری زهرا احمدی نیا، تهران: انتشارات فرهنگ  
معاصر، ۱۳۹۲، ۱۰۸۹ صفحه

فرهنگ اصطلاحات و عبارات رایج فارسی (فارسی - انگلیسی)، تألیف استاد دکتر محمد رضا باطنی با دستیاری زهرا احمدی نیا در سال ۱۳۹۲ توسط انتشارات فرهنگ معاصر در ۱۰۸۹ صفحه به چاپ رسیده است. در زبان انگلیسی فرهنگ‌های متعددی وجود دارند که مدخل‌های آنها به شرح اصطلاحات و ترکیبات زبان اختصاص دارد. فرهنگ اصطلاحات کالینز کوبیلد<sup>۱</sup>، فرهنگ اصطلاحات کمبریج<sup>۲</sup> و فرهنگ اصطلاحات امریکن هریتیج<sup>۳</sup> نمونه‌هایی از این‌گونه فرهنگ‌ها هستند. با توجه به اینکه تعداد این فرهنگ‌ها در ایران بسیار کمتر از فرهنگ‌های انگلیسی به فارسی است، انتشار چنین فرهنگی پدیده‌ای است درخور توجه.

بخش مطالب آغازین<sup>۴</sup> این فرهنگ شامل مقدمه، راهنمای استفاده از فرهنگ و دو جدول است. در مقدمه‌ی کوتاه فرهنگ، به تعریف اصطلاح<sup>۵</sup> و عبارت<sup>۶</sup>، تفاوت این دو و نیز الفبایی بودن ترتیب مدخل‌ها اشاره شده است. راهنمای استفاده از فرهنگ نیز حاوی نکاتی درباره‌ی ترتیب مدخل‌ها، صورت بنیادی مدخل، ارجاعات و نیز چگونگی تقسیم‌بندی معانی در داخل مدخل می‌باشد. همچنین موارد کاربرد نشانه‌هایی همچون پرانتز و قلاب در اینجا ذکر شده است. در دو جدول یادشده علائم اختصاری مربوط به برجسب‌های کاربردی و سایر اختصارات مشخص شده‌اند.

بخش اصلی این فرهنگ دوزبانه از ۶۰۰۰ مدخل تشکیل شده که حاوی "اصطلاحات و عبارات رایج در فارسی" است. در زیر، برخی از ویژگی‌های این فرهنگ مورد بررسی قرار گرفته است:

1. Collins Cobuild Idioms Dictionary
2. Cambridge International Idioms Dictionary
3. The American Heritage Dictionary of Idioms
4. front matter
5. idiom
6. phrase

### ۱- مدخل‌های فرهنگ

همان‌گونه که در مقدمه آمده، فهرست اصلی<sup>۱</sup> یا مدخل‌های فرهنگ در بردارندهٔ مجموعه‌ای از اصطلاحات و عبارات است. برپایهٔ تعریف نویسنده، اصطلاح "مجموع چند کلمه است که با هم معنای خاصی را منتقل می‌کنند، اما این معنا هیچ ارتباطی با معنای تک‌تک کلمات تشکیل‌دهنده‌ی آن ندارد" (ص هفت). منظور از عبارت نیز دو یا چند واژه با معنی روشن است که طوری به هم جوش خورده‌اند که نقش یک واحد را ایفا می‌کنند (همانجا). اصطلاحات و عباراتی که در این فرهنگ گنجانده شده‌اند اغلب بسیار مفید و کاربردی هستند و بسیاری از آنها را شاید در سایر فرهنگ‌ها نتوان یافت. مواردی همچون "تابلو بودن/شدن"، "زیر پای کسی نشستن" و "شگفت اینکه" از آن جمله‌اند. در این فرهنگ مواردی از قبیل "آب رفته به جوی باز نمی‌گردد" و یا "آب که از سر گذشت چه یک وجب چه صد وجب"، هم وجود دارد که شاید بتوان آنها را ضرب‌المثل به‌شمار آورد اما در عنوان به آن اشاره‌ای نشده است. در برخی از فرهنگ‌های انگلیسی یادشده هم، علاوه بر اصطلاح به مفهوم خاص آن، آرایه‌های ادبی، کلمات و عبارات عاطفی و تعجبی، ضرب‌المثل‌ها، باهم‌آیی‌ها و سایر عبارات تثبیت‌شده در زبان نیز گنجانده شده است.

در عین حال، مواردی در فرهنگ به چشم می‌خورند که به نظر می‌رسد واجد چنین شرایطی نیستند. مدخل‌های "آخه چرا"، "آخرین باری که کسی را دیدن"، "زیبایی یک امر نسبی است"، "مثل یک برده" و برخی دیگر نه تنها معنایی شفاف دارند، بلکه به عنوان یک واحد به هم جوش نخورده‌اند و شاید بتوان اجزای این‌گونه ترکیبات را با واژه‌های دیگری جایگزین کرد. این‌گونه ترکیبات آزاد<sup>۲</sup> ظاهراً به عنوان یک واحد در ذهن فارسی‌زبان تثبیت نشده‌اند و شم زبانی کاربر اهل‌زبان قادر به ساختن آنهاست، بنابراین معمولاً شخص درصدد برنمی‌آید تا در جایی مشخص از فرهنگ به جستجوی آنها بپردازد.

---

1. lemma list  
2. free combination

## ۲- ترتیب الفبایی مدخل‌ها

رایج‌ترین شیوه‌ی مرتب کردن مدخل‌ها ترتیب الفبایی است. مدخل‌هایی که از بیش از یک کلمه تشکیل شده‌اند به طور معمول براساس کلمات محتوایی یا اصلی<sup>۱</sup> مرتب می‌شوند. توجیه این کار آن است که کلمات اصلی بار معنایی جمله را به دوش می‌کشند. در فرهنگ موردبحث، مدخل‌ها به ترتیب الفبایی و براساس کلمات تشکیل‌دهنده مرتب شده‌اند و نه براساس کلمات اصلی. در راهنمای استفاده از فرهنگ عنوان شده است که "کسی/چیزی" در ترتیب الفبایی لحاظ نمی‌شود چون "جزء ثابت اصطلاح نیستند" (ص نه). به همین دلیل ترکیب "کسی را از میدان به در کردن" در حرف "الف" آمده است. البته در این امر گاه نایکدستی هم به چشم می‌خورد. برای مثال، برخی از اصطلاحاتی که در ساختار آنها کلمه‌ی "آدم" به کار رفته، مانند "آدم اهل حالی بودن"، ذیل حرف "آ" قرار گرفته‌اند. در این مثال، "آدم" نیز مانند "کسی/چیزی" می‌تواند با کلمه‌ای دیگر از قبیل بچه، دختر و غیره جایگزین شود و به عبارتی، "آدم" جزء ثابت اصطلاح به شمار نمی‌رود. این در حالی است که اصطلاح "آدم پخته‌ای بودن" به درستی ذیل حرف "پ" آمده است.

## ۳- صورت بنیادی<sup>۲</sup> مدخل‌ها

در این فرهنگ سعی شده است تا برای سهولت دسترسی، "صورت کامل اصطلاح یا عبارت ضبط شود" (ص نه). اگر منظور از صورت کامل، شکل مصدری افعال است، می‌توان گفت که در این کار یکدستی رعایت نشده است، مانند "دانستن اینکه تکلیفشان چیست" که در آن یکی از افعال به صورت مصدر و دیگری به صورت فعل صرف شده آمده است. با توجه به اینکه برخی از این اصطلاحات دارای فعلی هستند که به صورتی خاص (در زمان‌های خاص و با شخص خاص) به کار می‌روند، شاید بهتر آن بود که به همان صورت پربسامد در فرهنگ ضبط می‌شد، مثلاً مانند "نمی‌دانست که تکلیفش چیست". در مواردی نیز، صورت بنیادی برخی مدخل‌ها نامأنوس می‌نماید، از جمله مدخل‌های "ندانستن که گریه کردن یا خندیدن"، "انگار از جنگ برگشته بودن"، "داشتن دیر شدن" و "کسی) ... و خرده‌ای سالش بودن".

---

1. content word  
2. canonical form

در برخی مدخل‌ها که اصطلاح موردنظر به صورت‌های متفاوت در فارسی به کار می‌رود، یک صورت مدخل شده و بقیه به آن ارجاع داده شده‌اند (ص یازده). مانند "به پول و پله‌ای رسیدن" که به "پول و پله‌ای به هم زدن" ارجاع داده شده است که البته این کار به کاهش حجم فرهنگ کمک می‌کند. به طور کلی، برای یافتن شکل اصلی مدخل می‌توان به یک پیکره‌ی زبانی مراجعه و صورت پربسامدتر را انتخاب کرد، در حالی که در اینجا مشخص نیست که آیا بسامد بیشتر ملاک انتخاب قرار گرفته یا شم زبانی فرهنگ‌نویس.

برای پرهیز از افزایش بی‌دلیل حجم فرهنگ می‌توان برخی از ترکیبات را ادغام کرد و به صورت یک مدخل در نظر گرفت. مثلاً، "تصویر ... از کسی/چیزی ارائه کردن" ( paint/draw ) و "تصویر تاریکی از ... ارائه کردن" ( a ... picture of sb/sth ) را می‌توان با تغییراتی در هم ادغام کرد. به همین ترتیب است "تحمل چیزی را نداشتن"، "تحمل کسی را نداشتن" و "تحمل وزن کسی را نداشتن".

همان‌گونه که اشاره شد، مدخل‌ها به ترتیب الفبایی و براساس کلمات به‌کاررفته در آنها مرتب شده‌اند. با این حال، برخی از ترکیبات به گونه‌ای در فرهنگ مدخل شده‌اند که کاربر در یافتن آنها با مشکل روبه‌رو می‌شود. مثلاً، ترکیبی همچون "سال ... جهشی خواندن" که ذیل "س" آمده است بیشتر احتمال دارد ذیل حرف "ج" جستجو شود. به همین ترتیب است "کسی را طوری تربیت کردن" که کاربر به احتمال زیاد ذیل "ت" به جستجوی آن خواهد پرداخت.

در راهنمای استفاده از فرهنگ ذکر شده که اصطلاحات و عبارات فارسی بیشتر با صورت نوشتاریشان در فرهنگ ضبط شده‌اند (ص دوازده)، اما در مواردی یکدستی در رعایت سبک دیده نمی‌شود، به گونه‌ای که صورت بنیادی برخی از مدخل‌ها گفتاری است، مانند "یه جورایی" و در بعضی موارد، هم صورت گفتاری و هم صورت رسمی و نوشتاری به کار رفته است، همچون "زندگی همین است دیگه!"

#### ۴- معادل‌های ارائه‌شده

در این فرهنگ، برخلاف بسیاری از فرهنگ‌های دوزبانه که در آنها زبان مدخل‌ها فارسی و زبان معادل‌ها با الفبای لاتین نوشته می‌شود، تمامی معادل‌های انگلیسی از سمت راست چیده شده‌اند و کل متن فرهنگ راست‌چین است.

در اغلب فرهنگ‌های امروزی، برای جدا کردن معانی مختلفِ سرمدخل، شماره به کار می‌رود. در اینجا، آنچه با شماره جدا شده معادل‌های مختلفی است که برای سرمدخل وجود دارد و نه کاربردهای متفاوت آن. برای مثال، "سر به راه شدن" دارای سه معادل زیر است:

1. clean up one's act
2. go straight
3. straighten out

برای نشان دادن معادل‌های مختلف که کاربرد و معنای متفاوت دارند از علامت □ استفاده شده است.

برخی از اصطلاحات و عبارات، علاوه بر معنای اصلی، معنای مجازی هم دارند. در چنین مواردی تنها به یکی از این معانی اشاره شده است. مثلاً، "آب‌لمبو شدن/کردن" تنها در معنای مجازی "تحت فشار قرار گرفتن" آمده و بهتر بود به معنای اصلی آن هم اشاره می‌شد. برعکس، معنای مجازی "به کسی چسبیدن"، یعنی "لذتیخس بودن برای کسی"، ذکر نشده است.

#### ۵- نوع فرهنگ

اشاره به نوع مخاطب (یعنی اطلاعاتی درباره‌ی سن، تحصیلات یا تخصص و زبان مادری او) و نیز کاربرد فرهنگ (فعالیت درکی یا تولیدی، از قبیل خواندن متن، نوشتن متن و یا ترجمه) امروزه در فرهنگ‌های نو رایج است. سودمند می‌بود اگر چنین اطلاعاتی در اینجا نیز ذکر می‌شد. یک سؤال این است که اگر آن‌طور که از مدخل‌های فرهنگ برمی‌آید آن را برای ترجمه به کار ببریم، آیا می‌توان به هنگام مسافرت و در برخورد با افراد خارجی از این فرهنگ بهره جست یا می‌بایست آن را برای ترجمه‌ی متون استفاده کرد.

#### ۶- گستره‌ی<sup>۱</sup> فرهنگ

مطابق با آنچه در مقدمه آمده است، این فرهنگ "شامل اصطلاحات و عبارت رایج در فارسی است". با اینکه در مقدمه ذکر شده که سعی شده است تا اصطلاحات انگلیسی "هم‌سنگ" اصطلاحات فارسی ارائه شود (ص هفت)، دقیقاً معلوم نیست که اصطلاحات و عبارات گنجانده‌شده، به کدام سطح و سیاق زبان تعلق دارند و در چه بافتی به کار می‌روند. مثلاً، آیا

---

1. scope

این فرهنگ تنها حاوی اصطلاحات عامیانه و روزمره است یا ترکیبات ادبی را هم در بر می‌گیرد. البته در موارد معدودی، از برجسب‌هایی نظیر پزشکی، حقوق، بیان اعتراض، بیان تعجب و جز آن استفاده شده است. اما مدخل‌های بسیاری در فرهنگ فاقد برجسب‌اند، مانند "یه جورایی". در این حالت، برای کاربر غیرفارسی‌زبان مشخص نیست که این ترکیب متعلق به سطح گفتاری زبان است و نمی‌توان آن را در نوشتار به کار برد. معادل‌های ارائه‌شده نیز فاقد برجسب‌اند و سبک و سیاق آنها مشخص نیست. پرسش این است که آیا، مثلاً، come of age معادل "به سن قانونی رسیدن" را می‌توان در گفتگوهای روزمره به کاربرد یا این اصطلاحی است حقوقی.

## ۷- مثال‌ها

اغلب مثال‌ها روشن‌گرند و به درک معنا و کاربرد اصطلاح کمک می‌کنند. در مورد مثال‌های فرهنگ این نکته ذکر نشده که آیا مثال‌ها واقعی هستند و از پیکره‌ی زبانی استخراج شده‌اند یا ساخته‌شده توسط فرهنگ‌نویس می‌باشند.

در مدخل‌هایی که بیش از یک معادل دارند، تنها برای یکی از معادل‌ها مثال ارائه شده است. به عنوان مثال، برای "آب‌بندی کردن" که دارای ۲ معادل و "جا زدن" که دارای ۷ معادل است، تنها یک مثال داده شده است. برخی از مدخل‌ها نیز فاقد مثال‌اند، از جمله "رفتار معقولی داشتن"، "زمان مثل برق می‌گذرد"، "زندگی همین است دیگه"، "زود خوابیدن"، "سرخاب سفیداب کردن" و بسیاری دیگر.

در پایان، با وجود کاستی‌های ذکرشده، که می‌تواند در ویراست‌های بعدی برطرف شود، و با در نظر گرفتن این موضوع که چنین فرهنگی با این حجم و ابعاد جای خالی یک فرهنگ دوزبانه را پر می‌کند و به انجام رساندن این طرح با امکانات محدود کاری است بس دشوار، به نظر می‌رسد فرهنگ اصطلاحات و عبارات رایج فارسی حاوی مطالب و اطلاعات مفیدی است که می‌تواند برای کاربران به‌طور عام، و به ویژه در کار ترجمه، بسیار راهگشا باشد.

ساغر شریفی<sup>۱</sup>

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

---

1. saghar.sharifi@kiau.ac.ir